

متن پرسش

سلام: با تشکر به پاسخ سوال قبلی ام یعنی شماره ۱۱۷۷۸. ولی استاد محترم، شما که از بدو انقلاب تا کنون در تمامی انتخابات اظهار نظر فرموده اید از طرفی آقا دقیقا در مورد ورود در انتخابات جبهه ی فرهنگی انقلاب را نهی فرمودند. بله، اگر بگوییم بعضی معرفی ها مثل معرفی دکتر جلیلی قضیه ی خاصی داشت می توان پذیرفت (کما این که آقای میرباقری که در هیچ انتخاباتی اظهار نظر نمی کردند در مورد دکتر جلیلی اظهار نظر کرده و حتی سخنرانی نمودند) ولی عملکرد شما منحصر به یک مورد نیست پس چطور فرمایش آقا را در مورد رهبری خودتان در باب جبهه ی فرهنگی امتثال فرموده اید؟ شما که خود معتقدید فضا غبار آلود است (و اصلا شاید نهی رهبری هم به همین خاطر باشد) و معتقدید کلام در این فضا اثر ندارد خب چرا ورود می کنید؟ و اما سوالی که از شما می پرسم و دوست دارم به عنوان یک استاد، نه رهبر جبهه ی فرهنگی که آقا می فرمایند ورود در امور سیاسی نکنید پرسم این است (لازم به ذکر است که اگر صلاح می دانید این سوال را خصوصی پاسخ دهید تا بنده زمینه ی ورود شما در مباحث سیاسی را در سطح سایت ایجاد نکرده باشم) ۱- اگر بپذیریم مبنای این توافق عبارت است از الف: امید به رفع تحریم ها. ب: معلق کردن حل مشکلات بر رفع تحریم ها ج: اعتماد داشتن به طاغوت (امثال آژانس). خب حال سوال این است که آیا این هر سه مخالف مبنای شما و نظر آقا نیست؟ اگر بفرمایید نیست خواهم گفت در جملات آقا صریحا این سه مبنا تخطئه شده است و بارها مثلا فرموده اند حتی اگر تمامی خواسته هایی که به شما دیکته می کنند را انجام دهید تحریم ها رفع نخواهد شد و یا فرموده اند این نگاه اشتباه است که به بیرون از مرزها جهت حل مشکل چشم بدوزید و مانند آن. اگر بفرمایید هست خواهم گفت پس چرا باید از بیانیه ای که مبنای باطلی دارد دفاع بفرمایید؟ (البته عرض نمی کنم که بیایید مثل آقای شریعتمداری هم که نقدهای ۹۳ ایشان هیچ تفاوتی با نقد های ۹۴ نکرده و گویا چیزی به نام همدلی و هم زبانی را نشنیده اند، شما هم نقد تند کنید. بلکه عرض بنده این است که خیلی نرم همان طور که قبلا گفتم یک جوری قضیه را بیچنانید) بله، ممکن است آثار خوبی دیده باشید و آن را سلب بهانه از دست دشمن بنامید که باید گفت اولاً: خود آقا بارها فرموده اند بهانه جویی آن ها تمام نمی شود و ثانیاً: مگر رفع بهانه ای که بیرون از مبنای به دست آید مفید است؟ آیا جلوه های زیبا که از طریقی غیر از طریق ولایت الله که مظهرش امروزه ولایت فقیه است به دست آید مفید است؟ وقتی مبنای انقلاب ما عدم ارزش دادن به ولایت طاغوت است، آیا توافقی که ظاهر زیبا دارد ولی با اصالت دادن به ولایت طاغوت بسته شده است (اشاره به این دارم که مذاکره کرده ایم تا آمریکا حق ما را به رسمیت بشناسد و من این را غیر از

اصالت دادن به حکومت طاغوت نمی فهمم) زیبا و پایدار است؟ ۲- اگر موضع گیری شما در مورد آقای جلیلی در مسیر تحقق اهداف رهبری و نظام بود، پس نظرتان این است که ریاست جمهوری ایشان انقلاب را بیشتر به اهدافش نزدیک می کرد. خب حالا سوال این است که با توجه به این که ریاست جمهوری آقای جلیلی مسیر پرونده ی هسته ای را قطعا با تفاوت فاحش نسبت به این وضع موجود دنبال می کرد، علی القاعده با توجه به موضع گیری تان در دفاع از آقای جلیلی که می فرمایید از باب نزدیک کردن انقلاب به اهدافش بود، باید بفرمایید روش آقای جلیلی در مسیر پرونده درست است و این قطعا با شکل موجود نا سازگار است. (البته عرض بنده منافاتی با همدلی و هم زبانی ندارد چون همان طور که گفتیم می شود ظاهر قضیه را بیچنانید ولی مشکل این است که از کلماتتان احساس می شود شما نیز همین وضع موجود را کاملا پسندیده اید) ۳- چیزی که ذهن بنده را مشغول کرده این است که اگر شما مبانی آقای احمدی نژاد را در مورد سیاست خارجی می پسندید (که ظاهرا آقا هم همین نظر را داشتند و در بیانایت که در تأیید دولت نهم داشتند متجلی بود) چطور شده الآن گویا کاملا برگشته اید؟ پاسخ شما به سوالاتی که در مورد بیانیه ی لوزان است خبر از پذیرش مبنا می دهد نه صرف یک همزبانی. آیا این چنین است؟ یعنی آیا من درست فهمیده ام که مبانی تان تغییر کرده است؟ یا این که همزبانی است و بس؟ اگر هم زبانی است باید گفت من به عنوان یک مخاطب چیز دیگری می فهمم. قربانتان فدایتان بخشید وقتتون رو گرفتم ای عزیز تر از جان یاعلی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظرم اصل مطالب بیانیه ی لوزان خارج از ریز مواد آن که قابل تأمل است، شبیه صلح حدیبیه است که موجب حضور فرهنگی ما در صحنه ی سیاسی جهان شد در عین اصالت دادن به ارزش های استقلالی انقلاب اسلامی، به همین جهت امثال سید حسن نصرالله بیانیه ی لوزان را کاری ارزشمند می دانند و بنده از جهت جایگاه بیانیه ی لوزان به موضوع نگاه می کنم که این مربوط به ذات انقلاب اسلامی است. آری اگر با روحیه ی آقای جلیلی کار جلو می رفت شاید ما امتیاز کمتری به طرف مقابل می دادیم ولی عمده حضور انقلاب اسلامی است با هویت انقلاب اسلامی، و این ربطی به پذیرش نگاه دولت آقای روحانی ندارد که گمان شود بنده از مواضع قبلی ام برگشته ام. فکر می کنم جواب سؤال شماره ی ۱۱۶۸۸ روشن می کند که وظیفه ی ما با توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری «حفظه الله» در همدلی و همزبانی با دولت به چه معنا است. در آن جا بحث شده که اگر می خواهیم مسیر انقلاب را به سوی اهدافی سیر دهیم که این دولت خیلی بر آن ها تأکید ندارد، باید با جدّیت تمام کارهای فرهنگی خود را جلو ببریم به همان شکلی که در آن جا عرض شد و از این جهت نظر آیت الله مکارم را نیز متذکر می شوم که می فرمایند: «امام راحل با انقلابی که به کمک این مردم کرد عزت و آبرویی برای مردم این کشور فراهم کرد و این عزت به حدی رسیده است که شش وزیر خارجه ابرقدرت جهان در یک طرف و وزیر خارجه ما یک طرف می نشینند و ماه ها با هم مذاکره

می‌کنند که این مساله عزتی است که برای ما فراهم شده است... امروز در دنیا همه رسانه‌ها خبری از ایران دارند که این مساله نشانه عزیز بودن و آبرومند بودن ماست؛ امیدواریم نتیجه این مذاکرات به جای خوبی برسد ولی منهای این مساله، بحث عزت ماست که نباید این عزت را از دست بدهیم.»

موفق باشید